

بازتاب عناصر طبیعت در شعر داراب رئیسی با تکیه بر گلبانگ بختیاری

* نسرین نوروزی

** حمید رضایی

چکیده

طبیعت از دیرباز از مضمون‌های اصلی شعر فارسی به حساب می‌آید. مردمان سخت‌کوش و تلاش‌گر عشایر بختیاری که در دامان طبیعت زاده می‌شوند و پرورش پیدا می‌کنند، عاشق طبیعت هستند و نه تنها برای حفظ آن بلکه برای معرفی زیبایی‌های آن نیز تلاش می‌کنند. ایل بختیاری شاعران و بزرگان بسیار دارد که از میان آن‌ها می‌توان زنده یاد داراب رئیسی را نام برد. او متولد بیدکان استان چهارمحال و بختیاری است. این شاعر، پژوهشگر و نویسنده ایل بختیاری بیش از ۵۰ سال در حوزه ادبیات بومی فعالیت داشته و آثار زیادی از او در موضوعات شعر و ادب و فرهنگ بختیاری برجای مانده است. در این پژوهش مجموعه اشعار او با نام گلبانگ بختیاری که با گویش بختیاری است مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده به این سوالات پاسخ داده شود: آیا طبیعت و عناصر آن در شعر داراب رئیسی بازتابی دارد؟ شاعر این عناصر طبیعت را در شعر خود چگونه به کار برده است؟ کدام یک از عناصر طبیعت و اجزای آن در شعر بسامد بیشتری دارد؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که طبیعت و اجزای آن در شعر داراب رئیسی بازتاب فراوان دارد. از میان عناصر طبیعت و اجزای آن‌ها حیوانات، بیشترین بسامد را در شعر داراب داشته‌اند و بعد از آن عنصر آب و اجزای آن؛ فصل‌ها نیز در شعر رئیسی دارای کم‌ترین بسامد هستند. همچنین این شاعر ارزشمند بختیاری عناصر طبیعت و اجزای آن را بیشتر در معنای حقیقی واژه‌ها به کار برده است.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، ایران. noroozin24@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، ایران. h.rezaie@pnu.ac.ir

واژه‌های کلیدی: طبیعت، داراب رئیسی، گلبنانگ بختیاری

۱-مقدمه

سرزمین کهن بختیاری با ویژگی‌های طبیعی خاص در دل کوه‌های بلند و سر به فلک کشیده و در میان دشت‌ها، دره‌ها، تپه‌ها و رودهای خروشان جای دارد که دارای طبیعت بکر و مناظر زیبای فراوانی است و این طبیعت و زیبایی‌های آن در فرهنگ مردمانش نمود بسیار دارد. این مردمان سخت‌کوش و تلاش‌گر که در دامان طبیعت زاده شده و پرورش پیدا می‌کنند، عاشق طبیعت هستند و برای حفظ آن تلاش می‌کنند. طبیعت که از دیرباز از مضمون‌های اصلی شعر فارسی به حساب می‌آید.

«شعر فارسی را در فاصله سه قرن نخستین یعنی تا پایان قرن پنجم هجری باید شعر طبیعت خواند زیرا با اینکه طبیعت همیشه از عناصر اولیه شعر در هر زمان و مکانی است و هیچ‌گاه شعر را از طبیعت به معنای وسیع کلمه نمی‌توان تفکیک کرد، شعر فارسی در این دوره به خصوص از نظر توجه به طبیعت سرشارترین دوره شعر در ادب فارسی است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۳۱۷)

طبیعت در شعر شاعران بختیاری نیز جلوه ویژه‌ای دارد، زیرا «دیار بختیاری مهد شعر و ادبیات غنی و پر بار بومی است، مردمانش با شعر به دنیا می‌آیند و با شعر هم می‌میرند، با لالایی‌های دلنشین و مملو از احساسات و عواطف و آرزوهای مادران پرورش می‌یابند و با آهنگ‌های موزون و حزن‌انگیز (سرو، دندال و...) دار فانی را وداع می‌کنند.» (رئیسی، ۱۳۷۵: ۱۸)

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی بازتاب عناصر طبیعت در شعر داراب رئیسی با تکیه بر گلبنانگ بختیاری پرداخته‌است، و در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

۱. آیا طبیعت و عناصر آن در شعر داراب رئیسی بازتابی دارد؟ ۲. شاعر این عناصر طبیعت را در شعر خود چگونه به کار برده است؟ ۳. کدام یک از عناصر طبیعت و اجزای آن در شعر بسامد بیشتری دارد؟

سرزمین بختیاری شاعران و بزرگان زیادی را در خود پرورش داده که از جمله آنان می‌توان داراب رئیسی را نام برد. او «از شاعران معروف و نام‌آشنای بختیاری است که سالیان زیادی در عرصه شعر و ادب، قلم زده است. وی متولد سال ۱۳۳۰ در منطقه بیدکان کوه‌رنگ استان چهارمحال بختیاری و مقیم شهر اصفهان بود. زنده یاد رئیسی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرکرد به پایان رساند و به عنوان آموزگار عشایری وارد خدمت آموزش و پرورش گردید و همزمان مدرک کارشناسی علوم تربیتی را نیز اخذ نمود.

داراب رئیسی در کنار بیش از ۳۰ سال خدمت در آموزش و پرورش استان چهارمحال بختیاری و آموزش و پرورش عشایر به فعالیت‌های فرهنگی و ادبی پرداخت و از سال ۱۳۴۸ سرودن شعر را آغاز نمود. این شاعر، پژوهشگر و نویسنده ایل بختیاری بیش از ۵۰ سال در حوزه ادبیات بومی فعالیت داشته و مولف ۱۰ جلد کتاب در موضوعات شعر و ادب و فرهنگ بختیاری است. (مرادی، ۱۴۰۱/۷/۲۹)

اسلامی خو از آثار شادروان رئیسی به سه اثر ارزشمند اشاره دارد؛ مجموعه اشعار آوای ایل (۱۳۷۲)، دوبیتی‌های بختیاری (۱۳۷۵) و مجموعه شعر گلبانگ بختیاری (۱۳۷۰). (اسلامی‌خو، ۱۳۹۶: ۱۹)

در این پژوهش نویسنده به بررسی عناصر طبیعت در مجموعه گلبانگ بختیاری خواهد پرداخت که دارای گویش بختیاری است و علی‌قنبری در مقدمه این کتاب درباره این مجموعه شعر داراب رئیسی که با گویش بختیاری است، می‌نویسد: «منظومه گلبانگ بختیاری، تلاشی است عاشقانه و کوششی است آگاهانه در جهت احیای فرهنگ اصیل بختیاری، فریادی صادقانه و هنرمندانه علیه مظالم و تحریفات ضد فرهنگ و هنر بختیاری.» (رئیسی، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۱)

درباره شعر داراب رئیسی تاکنون چند پژوهش انجام شده اما درباره بازتاب طبیعت در شعر او تاکنون پژوهشی انجام نشده است. از جمله پژوهش‌های انجام شده در مورد شعر داراب رئیسی می‌توان موارد زیر را نام برد.

اسلامی خو (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان دوگفتار: پژوهشی بلاغی درباره اشعار داراب افسر بختیاری و داراب ریسی بختیاری، به بررسی عناصر بلاغی در اشعار این دو شاعر بزرگ بختیاری پرداخته است. اسلامی خو (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «پژوهشی بلاغی درباره اشعار داراب افسر بختیاری و داراب ریسی» به بررسی، نقد و تفسیر اشعار داراب افسر و داراب رئیسی پرداخته است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد به واسطه ارتباط گسترده شاعران با طبیعت از عناصر بلاغی مختلف بهره بسیار برده‌اند و کنایه و تشبیه در اشعار این دو شاعر کاربرد فراوان‌تری نسبت به موارد دیگر دارد. داراب افسر در اشعار خود از کنایه فعل از انواع ایما و غریب بیش از انواع دیگر استفاده کرده است.

داراب رئیسی متخلص به داراب نیز در این مجموعه انواع تشبیه به ویژه تشبیه بلیغ، تشبیه تفضیل و تشبیه حسی به حسی را به کار برده است. اسلامی خو (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تشبیه و انواع آن در مجموعه اشعار گلبنانگ بختیاری» به بررسی انواع تشبیه پرداخته است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد: این کتاب جولانگاه تشبیه است. استاد داراب رئیسی به زیبایی و ظرافت خاصی از این عنصر خیال در کتاب خود بهره گرفته است. اضافات تشبیهی و تشبیه حسی به حسی بیشترین کاربرد را در این اثر داشته است.

۳- طبیعت و اجزای آن در شعر گلبنانگ بختیاری

از مهمترین مضامین در اشعار عامیانه بختیاری، موضوع طبیعت است. شاعر بختیاری که زاده طبیعت است، شعرش سرشار از تصاویر طبیعت و عناصر آن است چرا که

تصاویر شعری او، همچون تصاویر شعری هر شاعری، حاصل تجربه‌های حسی اوست.

در فرهنگ دهخدا طبیعت به معنی «سرشت که مردم بر آن آفریده شده‌اند، نهاد، آب و گل، خوی گوهر، فطرت، ذات، غریزه و... عناصر و طبایع اربعه: چهار عنصر خاک، آب، باد، آتش، یکی از قوای نفس کل، قوه ساریه در اجسام، قوه مدبره همه چیزها (عقل کل)، مبدأ حرکت قوا که در او شعور باشد، مبدأ اول حرکت، چیزی که از آن حرکت و سکون پدید می‌آید و در اصطلاح تصوف حقیقت الهی» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۵۳۸۱) آمده‌است.

همچنین از طبیعت با عنوان زیست‌گاه نیز استفاده می‌شود. با این نگاه پژوهشگر عناصر طبیعت در شعر داراب رئیسی را به هفت گروه؛ آسمان، کوه، آب، گیاهان، جانوران، فصل‌ها و مناطق جغرافیایی تقسیم بندی کرده و بررسی هر عنصر و اجزای آن در در مجموعه اشعار گلبانگ بختیاری پرداخته است.

۳. ۱. آب

آب مایه حیات است. نقش آب در زندگی انسان و دنیایی که در آن زندگی می‌کند بر هیچ کس پوشیده نیست. هر ملتی در مورد آب، فرهنگ، آداب و رسوم، باورها، آیین‌ها، داستان‌ها و جشن‌های متنوع و خاص خود را دارد و این نشان از اهمیت آب در نظام هستی است.

از روزگاران قدیم اولین تمدن‌ها در کنار آب‌ها ایجاد شده است. عشایر نیز در کوهستان‌ها و دشت‌ها در کنار چشمه‌سازان چادرها را برپا می‌کنند. داراب رئیسی که به گفته علی قنبری در مقدمه کتاب گلبانگ بختیاری، در اوان کودکی همراه با طایفه خود پا به سفر حیات‌بخش ییلاق و گرمسیر نهاد زیبایی‌های طبیعت، زلالی چشمه ساران ابعاد کوچ، آداب، رسوم، عقاید و باورهای ایل در عمق جانش ریشه دوانیده‌است. (رئیسی، ۱۳۷۵: ۱۱)

از طبیعت و عناصر آن در شعرش استفاده کرده‌است. آب و اجزای آن شامل؛ آب، دریا، چشمه، رود، سیل، باران، طوفان، برف و یخ، است. بیشترین بسامد را به خود اختصاص است. داراب این عنصر طبیعت و اجزای آن را در شعرش بیشتر در معنای مطلق و حقیقی کلمه به کار برده است که یادآور طبیعت زیبای بختیاری، چشمه‌های زیبای کوهستان، زندگی، حرکت و کوچ است.

تا گُلِ سُهَرِ دِراهِه زِ زمین اَفَتَو و گرمی و بارون دادی (همان: ۴۱)

یاد آورِدنِ ز گل‌های بهار بار و نَدنِ پا کُه تَی چشمه‌سار (همان: ۵۰)

گاهی نیز برای معرفی طبیعت خاص و زیبای بختیاری از آن بهره برده‌است. رودها، چشمه‌ها و تالاب‌های زیبایی که چشم هر بیننده را خیره می‌کند. چغاخور بختیاری این تالاب بین المللی که در شهرستان بروجن و در دامنه ارتفاعات کَلَّار قرار دارد از مشهورترین و پر طرفدارترین مکان‌های دیدنی استان چهارمحال و بختیاری است، که شاعر آن را در شعرش به آن اشاره می‌کند. همچنین تالاب گندمان که یکی از زیباترین تالاب‌های ایران است و در مجاورت شهر گندمان است و نیز چشمه زیبا و پر آب کوه‌رنگ، سرچشمه اصلی زاینده رود و کارون که در دامنه زردکوه بختیاری قرار دارد.

چغاخور هم ز اشک شوق کَلَّار چه گُودِ گُندُمون پُر مَندو آید (همان: ۵۵)

مَیر «داراب» وُرگَرِنس که شعرس صفای چشمه کُهرنگ داره (همان: ۷۷)

رئسی که باران‌های بهاری مناطق گرمی‌ساز و بارش‌های سنگین مناطق کوهستانی و سرد چهارمحال و بختیاری را دیده‌است. این بارش‌های عظیم را حاصل خشم روزگار بر مردمان می‌داند و در شعر به آن اشاره می‌کند. البته باید اشاره کرد که بارش باران و

برف برای عشایر دارای اهمیت بسیار بالایی است؛ چرا که شغل اصلی عشایر دام‌داری و دام‌پروری است.

دام برای چرا نیاز به مراتع سرسبز دارد و عشایر به خوبی می‌دانند که در هر سال بارش خوب باشد مراتع سرسبزتر خواهند بود و عشایر نیز برای تغذیه دام‌های خود نگرانی نخواهد داشت.

داستونهایی ز خشم روزگار ویدنِ بارون و برف بیشمار (همان: ۵۰)

از دیگر کاربردهای عناصر طبیعت در شعر داراب، کاربرد آب و اجزای آن در معنای مجازی است. یادکرد انسان به صورت مجاز به علاقه ماکان که از دیرباز شاهد آن هستیم نیز در شعر داراب نیز وجود دارد.

به یه کَمچه گل و یه پاله او کمال و قدرت و نطق و بیون داد (همان: ۲۵)

کاربرد دیگر آب و اجزای آن، استفاده از این عناصر طبیعی در یک عبارت و حصول معنای کنایه‌ای است، همچون بردن لب آب و تشنه برگرداندن که به صورت یک ضرب‌المثل به کار می‌رود و کنایه از رند و هوشیار و سیاست مدار بودن کسی است.

به فتنه بو با واسُ هر چه داره بره بالِ اوُ تشنه اِپاره (همان: ۳۲)

۳. ۲. حیوانات

دامداری شغل اصلی عشایر است. «دامداری (در زبان لری، بیشتر واژه گله‌داری به کار می‌رود، تا دامداری) از زمان‌های دور از جمله فنون مربوط به اکتساب است که در درجه اول قرار می‌گیرد.» (دیگار، ۱۳۶۹: ۴۵) اقتصاد عشایر با دامداری و دامپروری در ارتباط است و از میان انواع دام‌های سبک که در زندگی عشایر وجود دارد می‌توان؛ گوسفند، بز، اسب، خر، قاطر و سگ را نام برد.

این شاعر بختیاری زندگی کوچ نشینی را اوان کودکی تجربه کرده است و به خوبی می‌داند که اقتصاد عشایر بر پایه دامداری و دامپروری است. عشایر نه تنها با دامداری و دامپروری نیاز خود را در گوشت و لبنیات برطرف می‌کند بلکه منبع تامین گوشت و لبنیات مورد استفاده دیگران نیز می‌باشد و همچنین این نکته را باید در نظر داشت که دامداری باعث ایجاد صنایع دستی است. فرش، گلیم و ... نزدیکی زیادی با دامداری دارد. شاید به این دلیل و اهمیت حیوانات در زندگی عشایر، از حیوانات و اجزای آن شامل؛ گوسفند، بز، میش، اسب، خر، قاطر، کبک، مار، گرگ، کلاغ، مرغ، مرغ آمین، شیر، بلبل و شاهین در شعر استفاده کرده است.

این عنصر طبیعت در شعر رئیسی دارای بیشترین بسامد است. رئیسی در شعرش حیوانات را در معنای مطلق و حقیقی خود به کار برده است که نشان از حضور همیشگی آن‌ها و نقش پر رنگ آن‌ها را در زندگی ایل بختیاری است. رئیسی در شعر «عرض حال لر به خدا» در تقابلی قاطر این حیوان بارکش را که در حرکت کوچ و نقل مکان برای عشایر بسیار اهمیت دارد، امکانات شهرنشینان چون هواپیما و بالون قرار داده است و این تقابل نشان از اهمیت حیوانات در زندگی عشایر است.

به من هر دو هزار تا زیما به یکی قاطر و پالون دادی (رئیسی، ۱۳۷۵: ۴۴)

همچنین رئیسی از این عنصر برای تشبیه استفاده کرده است. رئیسی در شعر «روح سرگردان» که از زندگی شهری گلایه می‌کند و خود را برای زندگی در شهر سرزنش می‌کند، در تشبیه زیبایی شهرنشینان را که با هم ارتباط برقرار نمی‌کنند و از حال و احوال یکدیگر بی‌خبر هستند و به مرغ‌هایی تشبیه می‌کند که بدون توجه به اطرافیان خود در لانه‌اش مخفی می‌شود.

هر که هر چی داره، ایره حونه خُس ایره چی مرغ ای تپه ای من لونه خُس (همان: ۴۹)

گاهی نیز شاعر با بهره گرفتن از این عنصر، اقتصاد عشایر بختیاری را نمایش می‌دهد. همانطور که اشاره شد شغل عشایر دام‌داری و دام‌پروری است و نداشتن حیوانات مساوی است با نداشتن منبع درآمد. نداشتن منبع درآمد یعنی فقر؛ رئیسی در شعر «علف» این نکته را بیان می‌کند.

مَلَاقَه رَهْد و خُورِدِه وُر تَه دِیگِ ندارم قاطر و میش و بز و بیگ (همان: ۵۶)

گاهی نیز با استفاده از این عنصر یک عبارت کنایه‌ای حاصل می‌کند؛ چون شیر شدن در این بیت که کنایه از جرات و جسارت یافتن است.

بسکه کَپَنیم و کشیدم آخر کُرِ مرداس سرم شیر آید (همان: ۸۵)

داراب از این عنصر طبیعت و اجزای آن در معنای استعاره‌ای نیز استفاده کرده‌است. رئیسی در شعر «گلایه حضرت امام حسین (ع) به اهل کوفه» «هیجار» کوگ بهاری را معنای استعاره‌ای به کار گرفته‌است که استعاره از وجود پیامبر اکرم (ص) است.

نوشتین وارثِ کوگِ بهاری یهَو آید، کَلایِ مُرده خواری (همان: ۳۲)

۳.۳. گیاهان

گیاهان نه تنها عامل زیبایی محیط هستند بلکه به عنوان غذای انسان‌ها و حیوانات جایگاه مهمی در زندگی بشر دارند. همچنین خاصیت دارویی بعضی از گونه‌های گیاهی بر ارزش و اهمیت آن‌ها افزوده‌است. گیاهان که از دیرباز در شعر جایگاه خاصی داشته‌اند، در شعر داراب رئیسی نیز خودنمایی می‌کنند. گیاهان و اجزای آن شامل؛ درخت، گل، خار، غنچه، کنار، بلوط، ریحان، چویل، بلهر، ریواس، هرکول، خوشه با دانه، از عناصر طبیعت در شعر داراب هستند. شاعر که در طبیعت بختیاری

زاده شده از این عنصر در شعر خود بخوبی بهره گرفته است. شعر او گاه بیان‌گر واقعیت این طبیعت زیباست.

همچون استفاده از واژه بلوط که میوه درختان جنگل‌های زاگرس و کوهستان‌های جنوب غربی و جنوبی ایران است. این میوه ارزشمند در بین عشایر بختیاری جایگاه ویژه‌ای دارد. داراب در شعر خود این میوه ارزشمند را به عنوان خوراک مردم بختیاری معرفی می‌کند.

خشکبار مو بلیطِ بازُفت به هو هم بائِمِ سامون دادی (همان: ۴۴)

از دیگر گیاهانی که در مناطق عشایر نشین وجود دارد، کنار است. کنار نیز در نزد مردم عشایر جایگاه خاصی دارد و خاصیت دارویی دارد. «کنار یا سدر درختی مقاوم در برابر ناملايمات طبیعت است و میوه آن به دلیل داشتن فواید زیاد، خواص دارویی و ارزش غذایی، یکی از محصولات مهم مناطق گرمسیری جنوب ایران است.» (تسلیم جهرمی، ۱۴۰۰: ۱۲۴)

به چینیم هر دو تامون دونه دونه به سی توشه کُناَر بختیاری (همان: ۴۶)

از دیگر گونه‌های گیاهان موجود در طبیعت بختیاری می‌توان چویل را نام برد که دارای رویش طبیعی است و از گیاهان ارزشمند مرتعی محسوب می‌شود. «چویل در زندگی روزمره و عشایری لره‌های بختیاری برای خوش عطر نمودن بعضی مواد غذایی و خوشبو نمودن مشک‌های تازه ساخته و پرداخته شده از پوست بز یا میش استفاده می‌شده است. همچنین از چویل به عنوان گیاهی برای ضد عفونی‌کننده فضای محل زندگی نیز استفاده می‌کرده‌اند.

زنان عشایر لر بختیاری پس از اینکه پوست بز را برای حمل و نگهداری روغن حیوانی دباغی نمودند و جداره ی داخلی آن را پرداخته نمودند مقداری از برگها و ساقه ی این گیاه علفی را درون خیگ روغن می گذارند تا ضمن خوش عطر و بو نگهداشتن روغن در فصل زمستان که این روغن را مصرف می کنند خود را از عطر و بوی چویل محروم نکنند.» (محمد، ۱۳۸۹/۶/۱۴) بلهُر نیز که شاعر از آن یاد می‌کند؛ «از این گیاه در مناطق نزدیک به رویش گاهش به عنوان سبزی خوراکی استفاده می‌کند.

برگ‌ها و ساقه‌های جوان آن به شکل پخته مصرف غذایی دارند و از خام آنها در تهیه‌ی ترشی استفاده می‌شود. در برخی مناطق، بخارپز شده‌ی این سبزی را با ماست مخلوط کرده و به عنوان چاشنی همراه غذا مصرف می‌کنند. این سبزی کوهی، علاوه بر کاهش فشار خون، میزان کلسترول و تری‌گلیسیرید خون را نیز کاهش می‌دهد. خواص آنتی‌اکسیدانی دارد و از کبد در برابر بیماری‌ها محافظت می‌کند.» (کریمی، ۱۳۹۵/۷/۱۵) ریواس دیگر گیاهی که به صورت طبیعی و دیمی در مناطق کوهستانی رشد می‌کند و ساقه آن مصرف خوراکی دارد. این گیاه ارزشمند علاوه بر مصرف خوراکی خاصیت دارویی نیز دارد.

چویل و بلهُر و ریواس و هرکول صفا بخش هزاران آور و آبد (همان: ۵۴)

یکی از مقاصد طبیعت‌گردی و جاذبه های گردشگری استان چهارمحال و بختیاری، جنگل‌های بازفت است که داراب در شعر خود، به آن اشاره می‌کند و این طبیعت بکر را در تقابل با شمیران منطقه کوهستانی شمال استان تهران قرار می‌دهد که بر دامنه رشته کوه البرز قرار دارد.

لر بازفتِ نُه‌ادی سی مو به هو صد کاخ به شمرون دادی (همان: ۴۴)

از دیگر کاربردهای عناصر طبیعت در شعر همان‌طور که اشاره شد، استفاده از این عناصر در معنای مجازی واژه است. داراب با اشاره به گیاهان در معنای مجازی اشاره به نعمت‌های فراوان در بهشت دارد که خداوند در اختیار انسان قرار داده است.

بُردی اُونِ به مَنِ باغِ بهشت بسِ گل و غنچه و ریحون دادی (همان: ۴۱)

از کاربردهای دیگر عنصر گیاهان و اجزای آن در شعر رئیسی ساخت عبارات کنایه‌ای است. رئیسی با بهره گرفتن از این عنصر طبیعی در شعر «در سوگ امام(ره)» با کاربرد عبارت «بگُ دی گُلِ نَگُوینُ گُلِ نَخَدین» اشاره به سوگ و ماتم از دست دادن امام خمینی(ره) کرده‌است و همه مردم را دعوت به عزاداری می‌کند و از شادی برحذر می‌دارد.

بِگُ دی شال و چوقانِ نَبَدین بَگُ دی گُلِ نَگُوینُ گُلِ نَخَدین (همان: ۴۰)

۳. ۴. آسمان

انسان زمانی مقهور پدیده‌های طبیعت بود و جهل او نسبت به چگونگی رویدادهای طبیعی موجب می‌شد خداگونه طبیعت را بستاید و بنده‌وار تسلیم آسمان، ماه، ستاره و ... شود تا مبدا زلزله، سیل و تقدیر گریبانگیر او شود و او را در چنگال مرگ بیفکند. پس کم‌کم انسان در جست‌وجوی راه‌حلی برای شناخت طبیعت و نزدیک شدن به آن برآمد و به تدریج با برخی از عناصر آن مانوس شد.

نگاهی به اشعار شاعران دوره‌های قبل نشان می‌دهد که تاثیر آسمان و اجرام آسمانی چقدر بر زندگی مردم سایه انداخته‌است و کارهای انسان را تحت تاثیر خود قرار داده‌است. آسمان و اجزای آن شامل، خورشید، ماه، ستاره و ابر، از عناصر طبیعت در شعر هستند، که در شعر داراب هم به خوبی نمایان‌اند. رئیسی گاهی از این عنصر طبیعت و اجزای آن در معنای حقیقی واژه‌ها در شعر استفاده کرده‌است.

خداوند که سی اولاد آدم مَه و اَفَتَو، زمین و آسمون داد (همان: ۲۵)

به وینیم که زمین و اَفْتَو مَه هَدِنِ نَقَش و نگار نو بهار بختیاری (همان: ۴۶)

و گاهی این عنصر و اجزای آن در معنای مجازی واژه به کار می‌برد. همچون بیت زیر که رئیسی برای نشان دادن غم و سوگواری از دست دادن امام خمینی (ره)، با به کارگیری عناصر طبیعت غم و اندوه خود را نشان داده و عالم را سوگوار نشان می‌دهد.

خَوَر آورِد، اَفْتَو دِ نِیاهه ستاره رَهْد و مَه دِ نِی دراهه (همان: ۳۹)

رئیسی همچنین در شعر « گلابه حضرت امام حسین (ع) به اهل کوفه » « هیجار » واژه آفتاب را در معنای مجازی واژه به کار می‌برد.

بریدین دل به نادونی ز اَفْتَو جَم آبیْدین به دَوَرِ کَرِمِ شَوْتَو (۳۳)

۳ . ۵ . ۳ . کوه

کوه از گذشته دارای جایگاه ارزشمندی بوده‌است. کوه‌ها منابع آب هستند. در ایران عمده شهرهای بزرگ در دامنه کوه‌ها شکل گرفته‌اند که باتوجه به عامل پیدایش تمدن‌ها و شهرها، عامل قرارگیری شهرها در دامنه کوه در ایران نیز وجود آب است. کوه‌ها اما ویژگی‌های دیگری برای استقرار جمعیت‌های بزرگ در کنار خود نیز داشته‌اند.

از جمله این‌که به عنوان سدی دفاعی در برابر حمله دشمنان بودند، در برابر بلایای طبیعی از انسانها مراقبت می‌کردند، آب و هوای مطبوعی برای زندگی داشتند و وجود خاک آبرفتی در دامنه آنها، مکان مناسبی برای کشاورزی بوده است. داراب فرزند کوهستان‌های بلند و گاه پربرف با آب و هوای سرد است. کوه و اجزای آن شامل؛ کوه، کوهستان و تپه، از عناصر طبیعت در شعر او است. رئیسی گاه این عنصر طبیعی را در معنای حقیقی واژه به کار برده‌است که یادآور محل زندگی ایل بختیاری است.

ای وُلّاتِ سرِ بسرِ پاکِ خُمون ای کُهِ بَرَدِ وِ گلِ وِ خاکِ خُمون (همان: ۵۱)

عشایر بختیاری که از سرمای طاقت فرسای کوهستان در پاییز و زمستان به مناطق گرمسیر جنوب پناه برده؛ با شروع فصل گرما از گرمای طاقت فرسای جنوب به کوهستان خنک و مرتفع پناه می‌برند و این جریان زندگی ایل است. در این جریان زندگی عشایر در کنار خانواده حیوانات را نیز با خود در بیلاق و قشلاق حرکت می‌هند که اقتصادشان را تامین می‌کنند و مسیر خاطره ساز کوچ، گاه آرام و گاه پر تلاطم است. این تصویر زندگی اوست که در شعرش نمود دارد.

یاد مال و یاد او گویل بخیر یاد کُهِ وِ پا زَنِ سرِ گلِ بخیر

(همان: ۴۹)

ایل‌راه همواره نقش حیاتی در زندگی مردم کوچ رو و ساکنان مناطق کوهستانی داشته و دارد؛ چرا که تمام رخدادهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظیر آنها در مسیر این راه به وقوع پیوسته است.

یکی از مسیرهای ایل‌راه، راه بازفت است. طوایفی که در منطقه بازفت (کوه‌رنگ) قرار دارند برای رسیدن به قشلاق خود که در منطقه مسجد سلیمان قرار دارد از این مسیر استفاده می‌کنند. مَنار نیز کوهی است در قشلاق بختیاری که رئیسی در شعر خود به آن‌ها اشاره می‌کند و حوادث مسیر ایل‌راه را ذکر می‌کند.

بیاھیم هر دو تامون مال به آیلان به بازفَت وِ مَنارِ بختیاری (همان: ۴۶)

داستونھائی ز جنگِ نه هزار کُشتنِ جعفرِ قلیِ خانِ مَنارِ (همان: ۵۰)

ارائه یک نماد و رمز از اشیاء طبیعی در کار همه شاعران دیده می‌شود. «شاعران پدیده‌های طبیعی مانند: سنگ، گل، ماه، دریا، درخت، ستاره و ... را به کار می‌برند تا مفهوم نامحسوسی که در ذهن دارد تجسم ببخشد و آن را محسوس و قابل درک سازد.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۹۰)

البرز این رشته کوه شمالی ایران از نمادهای استفاده شده توسط شاعران است که به نظر راشد محصل و همکاران، طبق اعتقادات ایرانیان باستان، نخستین و شریف ترین کوه است که در زمین روییده است. همه کوه ها به مدت هجده سال نمو نمودند ولی البرز به مدت هشتصد سال به کمال رسید، دویست سال تا ستاره پایه و دویست سال تا ماه پایه و دویست سال به خورشید پایه و دویست سال تا به روشنی بی کران. (راشد محصل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۹) البرز در شعر رئیسی نیز حضور دارد.

ایکُنْه شَکْ کُه البرز به پا داریِ خُس
تا به گوشِ ارسِه همّت و
پیمون علی (ع) (رئسی، ۱۳۷۵: ۲۹)

کوه دیگر که در شعر داراب به آن اشاره شده کوه بیستون است. داراب در شعر آغازین کتاب گلبانگ بختیاری «بنام خدا» ضمن اشاره به خلقت انسان بیان می کند که خداوند در آغاز آفرینش در همان زمان سرشت و خمیرکرد به او غمی در عظمت و بزرگی برابر کوه بیستون داده است. «کوه بیستون به معنی کوه خداست. بیستون در فارسی بغستان تلفظ می شده که مرکب از دو جزء «بغ» و «ستان» بوده است که به معنی پرستش خدا می باشد و چون ایرانیان قتل کوه ها را برای ستایش خدا مناسب تر می دانستند، این کوه مرتفع را جایگاه نیایش خدا نامیده اند و آن را نماد عظمت و شکوه دانسته اند.» (راشد محصل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰) و این بیت اشاره ای دارد به آیه شریف «لَقَدْ

خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (۴/ بلد)

سِرِ شنی تا که اُونِ وَاکِلِ عشق
غمی همسنگ کوه بیستون داد (رئسی، ۱۳۷۵: ۲۵)

اما کوه در ادبیات نماد و رمز است. «نماد انسان و رمز ایستادگی، پایداری، استواری، عظمت و قدرت است.» (راشد محصل و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۸) رئیسی در شعر «اسیر»

با اشاره به کوه و تشبیه خود به کوه، از آن به عنوان رمز استواری، پایداری و قدرت یاد می‌کند اما این قدرت در برابر قدرت زمانه هیچ است و در دست روزگار و زمانه این وجودش چون کوه قدرتمند و استوارش خمیر می‌شود.

کُه پولاد بیدم و دیدم مِّن دَسْتِسِ دَلْمِ حَویرِ آبید (رئیس، ۱۳۷۵: ۶۶)

۳. ۶. فصل‌ها

هر چند به نظر می‌رسد جهان طبیعت، آمد و شد شب و روز و گذشت فصل‌ها در طی قرون و اعصار امری ثابت و تکراری است، اما رابطه انسان و طبیعت هیچ‌گاه ثابت و یکسان نبوده‌است. فصل‌ها نه تنها گذر عمر را نشان می‌دهد که تلاش و تکاپو برای زندگی را نیز نشان می‌دهد. فصل‌ها و اجزای آن شامل؛ بهار، تابستان، پاییز، زمستان و سرمای زمستان از عناصر طبیعت در شعر داراب است. او که فرزند ایل بختیاری است، از سرمای زمستان به سمت مناطق گرمسیر کوچ می‌کند و از گرمای تابستان به سمت مناطق مرتفع کوهستانی و خنک استان چهارمحال و بختیاری در حرکت است.

رئیس در شعرش گاه از این عنصر طبیعت در معنای حقیقی واژه بهره می‌برد و سرمای سرد زمستان مناطق کوهستانی را نشان می‌دهد.

به هو آو گرم کن و آو سرد کن و یخ به مو سرمای زمستون دادی (همان: ۴۳)

گاهی نیز با به کارگیری این عنصر طبیعت، تمام شدن زمستان و آب شدن برف‌ها در بهار که موجب رویش و سرسبزی جهان می‌شود، نو شدن جهان در بهار را بیان می‌کند.

عروس که زسر وُرداشت چادر بُهار آبید و دنیا مون نَو آبید (همان: ۵۴)

شاعران گاهی زمستان را شاعرانه توصیف کرده‌اند، گاهی سرد و خشن، گاهی زمستان را به عنوان نشانه‌ای از یاس و ناامیدی به کار برده‌اند و گاهی شرایط جامعه خودشان را به زمستان تشبیه کرده‌اند. داراب در اشعارش با به کارگیری از این عناصر در مجازی، معنای دیگری را در شعرش منتقل می‌کند. رئیسی در شعر «علا زنگی» با اشاره به زمستان شرایط جامعه خود را نشان می‌دهد و در معنای مجازی ناامیدی و یاس را در جامعه نشان می‌دهد.

زمستون بید و تاریکی و غم بید کَدِ مَلّتِ زبارِ ظلمِ خم بید (همان: ۳۶)

۳.۷. مناطق جغرافیایی

از دیگر عناصر طبیعت در شعر داراب رئیسی اعلام است. داراب در اشعارش با ذکر اعلام و اجزای آن شامل: بازفت، سامان، چلگرد، اردل، ایل‌راه و ییلاق به معرفی آن‌ها پرداخته‌است. ذکر مناطق عشایر نشین استان شامل دیمه، روستایی در شهرستان کوه‌رنگ که چشمه دیمه یعنی سرچشمه اصلی زاینده رود در این منطقه است. همچنین چلگرد، مرکز شهرستان کوه‌رنگ و اردل، یکی دیگر از شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری که مرکز آن شهر اردل است.

دو واره دیمه و چلگرد و اردل اسیر خشم تند سیلَو آبید (همان: ۵۴)

از دیگر مناطق عشایر نشین بختیاری که رئیسی در شعر خود آن را نام می‌برد؛ منطقه شوراب است.

بهار آبید و بقالون دنیا روونه هر یکی سی سُوَرُو آبید (همان: ۵۵)

زندگی عشایر در حرکت و کوچ می‌گذرد. کوچ آهنگ زندگی است و مسیر کوچ پرخطر. رئیسی در شعر « روزگار بختیاری » ضمن اشاره به بیلاق، بازفت را که منطقه وسیعی در ایل راه بختیاری است؛ معرفی می‌کند.

بیاھیم هر دو تاملون مال به آیلاق
به بازفت و مُنارِ بختیاری
(همان: ۴۶)

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش به بررسی بسامد کاربرد هریک از عناصر طبیعت و اجزای آن در مجموعه گلبانگ بختیاری پرداخته شده است.

۴.۱. جدول بسامد عناصر طبیعت در مجموعه گلبانگ بختیاری

عناصر طبیعت	آب	گیاهان	حیوانات	کوه	آسمان	فصل	مناطق جغرافیایی
بسامد	۵۰	۳۶	۵۲	۱۷	۲۳	۷	۱۲

با توجه به جدول بالا باید اشاره کرد عنصر حیوانات در مجموعه گلبانگ دارای بیشترین بسامد است و دلیل این فراوانی را باید در زندگی عشایر بختیاری جست‌وجو کرد. شغل عشایر دام‌داری و دام‌پروری است و اقتصاد آن‌ها به حیوانات وابسته است از سوی دیگر در مسیر کوچ و حرکت زندگی در بیلاق و قشلاق نیازمند حیوانات بارکش هستند. بعد از حیوانات عنصر آب دارای بسامد بالایی است. حضور آب در

شعر به دلیل مایه حیات بودن آن از یک سو و زندگی عشایر در طبیعت کنار آب‌ها از سوی دیگر باید جست‌وجو کرد.

آب نه تنها برای خود که برای حیات حیوانات عشایر هم ضروری است. سومین عنصری که در شعر رئیسی دارای بسامد بالایی است گیاهان است. حضور گیاهان را نیز به دلیل اهمیت و نقش آن‌ها در تغذیه انسان و حیوانات از یک سو و زندگی عشایر در طبیعت از سوی دیگر باید جست‌وجو کرد. چرا که برای تغذیه دام‌ها نیازمند حضور و زندگی در مراتع سرسبز هستند.

چهارمین عنصر طبیعت در شعر رئیسی عنصر آسمان است. حضور آسمان در شعر رئیسی همچون سایر عناصر طبیعت که برشمردیم را باید در زندگی عشایر جست‌وجو کرد. آن‌ها در کوهستان‌ها، دشت‌ها و مراتع سرسبز در چادر زندگی می‌کنند و این انس با آسمان را برای مردم سخت‌کوش عشایر بیشتر می‌کند. همانطور که در جدول مشخص است کوه، مناطق جغرافیایی و فصل در درجه های بعدی قرار دارند که حضور هر کدام از این عناصر وابسته به زندگی عشایر است.

۴.۲. جدول بسامد کاربرد عناصر طبیعت در معنای حقیقی و مجازی

عناصر طبیعت	آب	گیاهان	حیوانات	کوه	آسمان	فصل	مناطق جغرافیایی
-------------	----	--------	---------	-----	-------	-----	-----------------

کاربرد در معنای مجازی	۸	۵	۹	۳	۱۰	۱	-
کاربرد در معنای حقیقی	۴۲	۳۱	۴۳	۱۴	۱۳	۶	۱۲

با توجه به جدول بالا باید اشاره کرد که رئیسی در شعر خود با توجه به چگونگی زندگی عشایر و نقش هر عنصر در زندگی او، عناصر را در معنای واقعی واژه‌ها بیشتر از معنای مجازی واژه‌ها استفاده کرده است تا بتواند زندگی عشایر و فرهنگ غنی و پربار بختیاری را نشان دهد. همان‌طور که در جدول (۲.۴) مشخص است، آسمان با فراوانی ۱۰ بیشترین کاربرد را در معنای مجازی واژه‌ها دارد و حیوانات بعد از آن دارای بسامد بیشتری است. فصل‌ها دارای کم‌ترین کاربرد در معنای مجازی است و مناطق جغرافیایی هیچ کدام در معنای مجازی واژه‌ها به کار نرفته‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

با بررسی عناصر طبیعت و اجزای آن در مجموعه گل‌بانگ بختیاری نتایج زیر حاصل شد. از میان عناصر طبیعت در شعر رئیسی، عنصر حیوانات با بسامد ۵۲ بیشترین بسامد

را به خود اختصاص داده‌است و بعد از آن عنصر آب و اجزای آن با بسامد ۵۰ بیشترین بسامد را داراست. عنصر فصل‌ها در بین عناصر کم‌ترین بسامد را دارد. حضور این عناصر در شعر داراب رئیسی را باید از یک سو در شیوه زندگی عشایر جست‌وجو کرد و از سوی دیگر در اهمیت هر کدام از این عناصر در زندگی عشایر بختیاری. انتظار می‌رفت به دلیل اهمیت آب در زندگی حضور این عنصر بیشتر از همه باشد اما با توجه به زندگی عشایر در مناطق کوچ‌نشین و شغل آن‌ها که دام‌داری و دام‌پروری است باید گفت حیوانات در زندگی اشعار جایگاه ویژه و ارزشمندی را دارا هستند. به این دلیل است که عنصر حیوانات دارای بیشترین بسامد در شعر می‌باشد.

حیوانات علاوه بر اینکه در حمل و نقل و کوچ به عشایر کمک می‌کنند، باعث شده‌اند تا عشایر نقش تولیدکننده داشته باشد. آن‌ها با تولید فراورده‌های لبنی نیاز خود را تامین می‌کنند و این فراورده‌ها را نیز به سایر مناطق کشور، صادر می‌کنند. از طرف دیگر رونق صنایع دستی نیز، حاصل دام‌داری و دام‌پروری است. زندگی بدون آب ممکن نیست و عشایر نیز در کنار آب‌ها چادرها را برپا می‌کنند و زندگی در کنار آب جریان دارد پس دومین عنصر پر بسامد در شعر آب با بسامد ۵۰ است. عنصر بعدی گیاهان است که دارای بسامد ۳۶ است. این عنصر با توجه به زندگی عشایر در شغل آن‌ها به راحتی قابل درک است.

چرا که علاوه بر اینکه گیاهان یکی از منابع غذایی انسان‌ها بشمار می‌روند منبع تغذیه حیوانات نیز می‌باشند. عشایر این مردمان تلاش‌گر در کوهستان‌ها و دشت‌ها در چادر زندگی می‌کنند، دور از برج‌ها و ساختمان‌های بلند شهری پس با آسمان و اجزای آن بیشتر از شهر نشینان مانوس هستند. شب‌ها و روزها در چادر زیر سقف آسمان قطعاً خورشید، ماه و ستاره‌ها خودنمایی بیشتری برای این مردم خواهد داشت. زندگی در دل طبیعت و ارتفاعات مناطق ییلاقی دلیل حضور عنصر کوه در شعر بختیاری است.

مناطق جغرافیایی و فصل ها در درجه بعدی فراوانی در شعر قرار دارند و فصل ها با بسامد ۷ کمترین بسامد را در شعر رئیسی دارد.

همچنین با بررسی واژه‌ها مشخص شد که رئیسی این عناصر طبیعی را بیشتر در معنای حقیقی واژه‌ها به کار برده است نه در معنای مجازی واژه‌ها؛ در این کاربرد دوباره حیوانات با بسامد ۴۳ دارای بیشترین کاربرد در معنای حقیقی واژه‌ها می‌باشند. بعد از آن آب با بسامد ۴۲ بیشترین کاربرد در معنای حقیقی واژه را دارد. سومین عنصر طبیعت گیاه است که با بسامد ۳۱ بیشترین کاربرد در معنای حقیقی واژه را دارد. در اینجا با یک جابجایی کوچک کوه با بسامد ۱۴ از آسمان با بسامد ۱۳ در کاربرد واژه در معنای حقیقی جلوتر است که این نیز می‌تواند نشان از اهمیت مکان زندگی برای عشایر باشد. مناطق جغرافیایی در این مجموعه شعر همه در معنای حقیقی واژه به کار رفته اند.

منابع

قرآن

اسلامی خو، ثریا. (۱۳۹۶). دوگفتار: پژوهشی بلاغی درباره اشعار داراب افسر بختیاری و داراب ریسی بختیاری، شهرکرد: نیوشه

اسلامی خو، ثریا. (۱۳۹۹). «کاربرد شفاهی تا کتبی صنایع ادبی در ادبیات منظوم بختیاری با تاکید بر شعر دو داراب». نخستین همایش ملی ایران شناسی استان‌ها «فرهنگ و هنر چهارمحال و بختیاری».

اسلامی خو، ثریا. (۱۳۹۴). «بررسی تشبیه و انواع آن در مجموعه اشعار گلبانگ بختیاری». همایش ملی بررسی ادبیات بومی

دیگار، ژان پی یر. (۱۳۶۹). فنون کوچ نشینان بختیاری، ترجمه؛ اصغر کریمی، مشهد: آستان قدس رضوی

تسلیم جهرمی، فاطمه. (۱۴۰۰). «تحلیل جایگاه درخت کنار در فرهنگ، ادبیات و باورهای عامیانهٔ فارس با تکیه بر شهرستان جهرم». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران دوره، ۱۱ شماره پیاپی ۲۲ پاییز و زمستان، ۱۴۰۰: صص ۱۴۸-۱۲۳

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا

رئسی، داراب. (۱۳۷۵). گلبانگ بختیاری، شهرکرد: انتشارات ایل

راشد محصل، محمدرضا؛ بهنام‌فر، محمد؛ زمانی پورمریم. (۱۳۹۱). «تجلی کوه در ایران باستان و نگاهی به جلوه‌های آن در ادب فارسی». مجلهٔ مطالعات ایرانی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال یازدهم، شمارهٔ بیست و یکم، صص ۱۱۹-۱۴۶

فتوحی، محمود. (۱۳۸۵) بلاغت تصویر. تهران: سخن

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). صور خیال در شعر فارسی. کوه‌رنگ: نیل

کریمی، حمیده. «گیاهان دارویی استان چهارمحال و بختیاری»، ۱۳۹۵/۷/۱۵
www.kojaro.com

مرادی، سعید. «داراب رئسی شاعر نام‌آشنای بختیاری درگذشت»، ۱۴۰۱/۷/۲۹

www.rouyeshzagros.ir

محمد. (۱۳۸۹). «گیاه چویل در فرهنگ لری بختیاری»، ۱۳۸۹/۶/۱۴

www.ake.blogfa.com

